

معرفی کتاب «مردی با آرزوهای دوربرد»

برای پدر موشکی ایران



● عنوان: **مردی با آرزوهای دوربُرد**

● نویسنده: **فائِضه غفارحدادی**

● ناشر: **شهید کاظمی**

● تعداد صفحات: **۸۴**

● توضیحات:

«مردی با آرزوهای دوربرد»، روایت‌هایی مستند

است از زندگی مردی که بُرد آرزوهایش از بُرد

موشک‌هایش بلندتر بود؛ مردی که دنیا را

انگشت به دهان و دشمن را عصبانی کرده بود.

آرزوهای بزرگ، همیشه از دور پیدایند؛ مثل فانوس‌هایی که در دلِ مه می‌درخشند و راه را نشان می‌دهند، حتی اگر رسیدن به آن‌ها سال‌ها طول بکشد. گاهی این فانوس‌ها نه در آرامش اتاقی روشن که در گرمای کارگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و میدان‌های خطر شعله می‌گیرند. «مردی با آرزوهای دوربُرد» داستان همین فانوس‌هاست؛ روایت مردی که آرزوهایش فراتر از زندگی شخصی‌اش بود و مرزهای یک ملت را تغییر داد: شهید حسن طهرانی‌مقدم، پدر موشکی ایران.

رؤیای بومی‌سازی توان موشکی ایران

کتاب «مردی با آرزوهای دوربرد»، نوشته فائزه غفارحدادی، روایتی است از زندگی‌هایی که در جغرافیای امید، تنفس می‌کنند؛ اثری مستند و در عین حال ادبی که زندگی، شخصیت و تلاش‌های بی‌وقفه شهید طهرانی‌مقدم را به تصویر می‌کشد؛ مردی که با فکر و برنامه‌ریزی بلندمدت و هدفمند و ایمان عمیقش، توانست رؤیای بومی‌سازی توان موشکی ایران را به واقعیت تبدیل کند.

غفارحدادی، داستان‌ها را با زبانی راحت و پر از جزئیات جالب تعریف کرده است؛ طوری که حسرت‌ها و آرزوها را

می‌شود خوب حس کرد و به آن‌ها باور داشت. هر فصل مثل یک ایستگاه است که خواننده چند لحظه توقف کرده و به اطرافش نگاه می‌کند؛ بعضی وقت‌ها باعث خنده می‌شود و بعضی وقت‌ها باعث غمی آرام. این کتاب فقط داستان یک اتفاق نیست، بلکه گفت‌وگویی درونی بین حال و آینده‌ای است که شهید طهرانی‌مقدم در ذهن و کارهای خودش ساخته بود.

هم داستان است و هم مستند

کتاب «مردی با آرزوهای دوربرد» طوری نوشته شده که هم از اطلاعات واقعی استفاده کرده و هم از داستان‌نویسی که فضای کتاب را جذاب و واقعی

می‌کند. گاهی روایت‌ها از زبان دوستان و خانواده شهید گفته می‌شود و گاهی هم با نگاهی دقیق‌تر، نقش او در پیشرفت‌های مهم کشور بررسی می‌شود.

لحن کتاب دو ویژگی شاخص دارد: نخست، روایت صمیمی که خواننده را به دل وقایع می‌برد؛ از جلسات فشرده طراحی موشک گرفته تا لحظات ساده‌ای مثل بازی با فرزندان یا نماز خواندن در نیمه‌شب و دوم، تحلیل هوشمندانه که در کنار خاطرات، زمینه تاریخی و فنی پروژه‌ها را توضیح می‌دهد تا خواننده ابعاد کار شهید را بهتر درک کند.

معمولاً داستان‌ها از زبان چند راوی بیان می‌شوند؛ مثلاً خاطره‌ای را دوست یا همسر یا فرزند بیان می‌کند. در جای دیگری، خود راوی اصلی، داستان را تعریف می‌کند. به این می‌گویند تغییر زاویه دید. در این کتاب تغییر زاویه دید اتفاق می‌افتد و این حالت در برخی فصل‌ها، متن را از یکنواختی دور می‌کند و باعث می‌شود خواننده یکبار شنونده اعترافی ساده باشد و بار دیگر همراه سفری ذهنی یا تماشاگر صحنه‌ای از آینده.

شهیدی که به آینده ایران امیدوار بود

شهید حسن طهرانی مقدم (۱۳۳۸-۱۳۹۰)، بنیان‌گذار و معمار اصلی برنامه موشکی ایران بود. در سال‌های

ابتدایی جنگ تحمیلی، با شناخت دقیق از نیاز دفاعی کشور و محدودیت‌های موجود، توان موشکی ایران را گسترش داد. تلاش‌های او از خرید و اصلاح تجهیزات ابتدایی آغاز شد و به طراحی و ساخت موشک‌های بومی پیشرفته انجامید؛ اما زندگی او فقط به حوزه فنی محدود نمی‌شد. ایمان عمیق، تواضع، توجه به خانواده و نگاه بلندمدت به آینده ایران، از ویژگی‌های برجسته‌اش بود. شهادتش در انفجار پادگان ملارد، پایانی بر یک زندگی پُرکار نبود؛ بلکه آغاز فصلی تازه در حافظه تاریخی ملت شد.

این کتاب، علاوه بر روایت زندگی یک قهرمان ملی، از پشت صحنه یکی از مهم‌ترین حوزه‌های دفاعی کشور پرده برمی‌دارد. برای جوانان علاقه‌مند به فناوری، «مردی با آرزوهای دوربرد» فرصتی است برای آشنایی با شخصیتی الهام‌بخش که آرزوهایش به اندازه نام کتاب، دوربرد و اثرگذار بود.

برش‌هایی از متن کتاب

می‌گفت آرزوهایم مثل درخت‌های آن طرف رودخانه‌اند؛
می‌بینمشان، می‌دانم سبزند، حتی بویشان را حس
می‌کنم، اما باید پلی بسازم تا بروم و زیر سایه‌شان

بنشینم؛ پلی که شاید یک عمر طول بکشد، اما مگر
غیر از این هم می‌شود زندگی کرد؟

وقتی از او می‌پرسیدند چرا این‌همه سختی را
تحمل می‌کنی، فقط می‌گفت: «برای روزی که هیچ
دشمنی جرئت نکند حتی به فکر حمله به ایران بيفتد.»
آن روزها، موشک‌های ما هنوز روی کاغذ بودند، اما او
هر بار که طرح را روی میز می‌گذاشت، انگار آینده‌ای را
می‌دید که برای ما هنوز غریبه بود.